

بررسی اصل جبران خسارت از منظر قرآن، فقه امامیه و حقوق ایران

فاطمه نگهداری*

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۲

نصیر مشایخ گندس کلایی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۸

چکیده

در حقوق ایران بحث از خسارات قابل جبران جزو موضوعات اختلاف برانگیز حقوق مسئولیت مدنی بوده و نظرات مختلفی در این باره ارائه شده است. این مباحث و اختلاف نظرها به خصوص با پیروزی انقلاب اسلامی و رویکرد فقهی به حقوق ابعاد جدیدی یافته است. در حقوق ما، دو روش و دیدگاه کلی درباره خسارات قابل جبران وجود دارد: از طرفی اکثر فقهای امامیه بدون آنکه بحث مستقلی را به این مقوله اختصاص دهند و قاعده‌ای کلی در این باره بنا نهند به مناسبت در بحث‌های فقهی مختلفی متعرض مسأله خسارات قابل جبران شده و در هر مقام مباحثی را مطرح نموده‌اند؛ در مقابل، بسیاری از حقوقدانان جدید ایرانی که علی‌رغم استفاده و توجه به مبانی فقهی و مباحث فقها، از روش نوینی در بحث‌های حقوقی استفاده می‌کنند، به شیوه حقوقدانان فرانسوی، به بحث کلی خسارات قابل جبران در حقوق مسئولیت مدنی پرداخته و ذیل فصل ارکان مسئولیت به مبحث ضرر و بیان مسائل پیرامون آن اشتغال ورزیده‌اند.

کلیدواژگان: خسارت، مسئولیت مدنی، جبران خسارت، قاعده لا ضرر.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق ثبت اسناد و املاک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

Negahdarifateme61@gmail.com

** استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

نویسنده مسئول: فاطمه نگهداری

مقدمه

جبران خسارات وارده به اشخاص از مباحث مهم مسئولیت می‌باشد و این امر نیز هم در فقه اسلامی و قوانین ایران و همچنین در عرف جامعه نیز مشاهده می‌شود که شخصی در صورت بوجود آوردن خسارت به مال یا حیثیت شخص دیگر مسئول جبران آن می‌باشد و بابت جبران آن به هر کدام باید به شیوه مقتضی و مناسب خسارات وارده جبران شود. بر همین اساس در حقوق ایران، قانونگذار انواع روش‌های جبران، اعم از مالی و غیر مالی را جهت جبران ضرر معنوی پیش بینی نموده است. به عنوان یک قاعده کلی ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...».

ماده ۱۰ قانون مزبور نیز، به عنوان حکمی خاص، ناظر به قسمتی از ضررهای معنوی یعنی لطمه به حیثیت و اعتبار اشخاص می‌باشد و مقرر می‌دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند... علاوه بر صدور حکم به خسارت احتمالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن را نماید».

همانطور که ملاحظه می‌شود، جبران مالی و غیر مالی توأم با یکدیگر قابل حکم هستند. مثلاً کارگری در حین انجام وظیفه، به صورت شخص ثالثی آسیب وارد کند که سبب زشتی صورت او شود و مستلزم درمان با هزینه بالایی شود، در این صورت هم جبران مالی و هم غیر مالی محقق شده است.

از این رو علاوه بر جبران مادی یعنی پرداخت مبلغی پول به زیان دیده، قانونگذاران راه‌های دیگری را نیز برای جبران خسارت معنوی مورد توجه قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان به الزام مرتکب فعل زیانبار به ارائه مراتب اعتذار خود و یا درج حکم در مطبوعات اشاره کرد. در برخی موارد نیز زیان دیده در دادخواست تقدیمی، پرداخت ضرر و زیان معنوی را به سود یکی از انجمن‌های خیریه، مورد تقاضا قرار می‌دهد.

مفهوم خسارت در لغت و اصطلاح حقوقی

مفهوم خسارت را در فرهنگ فارسی به معنای ضرر زدن، زیانمندی، ضرر و زیان و... عنوان نموده‌اند (معین، ۱۳۶۰: ۲۱۹۵).

در فرهنگ لغت دهخدا در معنای خسارت آمده است: خسارات، گمراهی، خساره، هلاکی، خساره (منتهی الارب، عذر، زیانکاری، بدبختی و خواری، از لسان عرب). زیان یافتن تاجر در تجارت و مغبون شدن او. خسارت (خ) زیان، ضرر، کم آمدن حاصل از فروش از قیمت خرید، ضرر در تجارت و زیان در معامله.

در فرهنگ آمده است که خسارت شامل صدمه و جراحت خواهد شد و سبب کاهش ارزش و اعتبار و استفاده مفید (اولیه) است. در کاربرد محض حقوقی منظور از آن تخمین مقدار پول است (مهمان نوازان، ۱۳۸۹: ۲۱).

مفهوم خسارت در قانون مدنی

مسئولیت در قانون مدنی یا عهدی است یا قهری. مسئولیت عهدی بر طبق عقد است و طرفین عقد بر طبق مواد ۲۱۰، ۲۱۱ تا ۲۱۷ باید اهلیت انعقاد عقد را داشته باشند و مورد معامله هم باید معین باشد و طرفین ملزم به رعایت مفاد شروط می‌باشند. تعهد، اعم از مثبت و منفی است و اگر کسی از تعهد خود تخلف کند مسئول خسارات طرف مقابل است مشروط بر اینکه تدارک خسارت تصریح شده یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد. خسارت در ضمان قهری به خودی خود محرز نیست و همانند خسارات قراردادی نمی‌باشد بلکه هنگامی خسارت دیده را مستحق دریافت خسارت می‌داند که خسارت وارده بر شخص از جانب مقصر بدون هرگونه شک و شبهه‌ای به اثبات رسیده باشد (مهمان نوازان، ۱۳۸۹: ۲۹). خسارت در مسئولیت عهدی در قانون مدنی زمانی قابل مطالبه است که حداقل با فرض اجازه تقصیر و عدم ایفای تعهد که دلیل تقصیر می‌باشد، متعهدله را از اثبات تقصیر بی‌نیاز گرداند و او را محق برای دریافت خسارت قرار دهد. خسارت در قانون مدنی ایران به طور پراکنده در مواد مختلفی چه به طور مستقیم چه غیر مستقیم به چشم می‌خورد. با نگاهی اجمالی به قانون مدنی هم می‌توان دریافت

که قانون مدنی در مباحث غصب، اتلاف و تسبیب بیش از هر جای دیگری به مسئولیت و خسارات ناشی از آن توجه داشته است. در بحث غصب در قانون مدنی در ماده ۳۲۸ که تا حدی مبتنی بر نظریه خطر است، رابطه علیت و خسارت را می‌توان تفسیر کرد و همین که رابطه مسلم شد دیگر وجود یا نفی تقصیر تأثیری در ضمان نداد و به همین علت صغیر و مجنون هم خسارتی که دیگری وارد کند، ملزم به جبران خسارت آن هستند.

ماده ۳۲۹ قانون مدنی هم مربوط به ترمیم خسارات است که به روشنی به بهترین شیوه جبران خسارت توجه کرده است. ماده ۳۳۱ قانون مدنی هم قاعده تسبیب را عنوان داشته و فرض تقصیر را نیز در آن مورد توجه قرار داده است. مواد ۳۳۷ و ۳۳۶ قانون مدنی هم در عبارات خود خسارات را مد نظر قرار داده‌اند.

مفهوم خسارت در قانون مسئولیت مدنی

قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ در ۱۵ ماده به تصویب رسید. ماده یک این قانون در راستای اهداف تکمیلی قانون مدنی و لحاظ ماده ۳۲۸ این قانون به تصویب رسیده است. ماده یک اشاره می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت و... لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی شود، مسئول جبران خسارات ناشی از عمل خود می‌باشد». این ماده کلیه خسارات و ضرر و زیان‌های ناشی از اعمال اشخاص را مورد توجه قرار داده خواه خسارت مادی باشد یا معنوی. ماده ۲ این قانون نیز ناظر به ترمیم خسارت می‌باشد. در مادتين ۳ و ۴ قانون مسئولیت مدنی شیوه‌های جبران خسارت که دادگاه با توجه به شرایط دعوی، میزان این خسارت را در نظر گرفته و می‌گیرد، لحاظ کرده است. در ماده ۵ قانون فوق‌الذکر، ملاکی برای تعیین میزان خسارت مشخص شده است که مصادیق آن، اگر خسارات وارد موجب کاهش قوه کار شخص را پدید آورد و عسر و حرج او را به وجود آورد، شخص زیان زنده باید از عهده کلیه خسارات شخص خواهان برآید و آن را جبران کند. طبق ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی آسیب زنده باید خسارات ناشی از هزینه درمان یا حتی فوت آسیب دیده را پرداخت کند. ماده ۷ این قانون خسارات ناشی

از کوتاهی و قصور در نگهداری طفل و مجنون را مورد توجه و مذاقه قرار داده است. ماده ۸ خسارات را به دلیل لطمه به اعتبار ملی یا به اعتبار اخلاقی در نظر گرفته و با اثبات تقصیر قابل مطالبه دانسته است. در ماده ۹ قانون، خسارات ناشی از جرائم جنسی به ظرافت و دقت مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۱۰ قانون فوق الذکر، نوعی خسارت را در نظر گرفته که بیش تر جنبه روحی و روانی دارد و شخصیت زیان دیده را ارضاء می کند. در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، خسارات ناشی از اعمال کارمندان دولت و شهرداری ها مورد توجه و دقت نظر قرار گرفته است. مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۴ این قانون در رابطه با خسارات ناشی از اعمال کارگران و روابط کارگران و کارفرمایان در ورود خسارت و شیوه های جبران آن مباحثی را مطرح کرده است. ماده ۱۵ این قانون هم به خسارات ناشی از دفاع در برابر خطر و حفاظت در برابر دیگران را مطرح می کند و مورد بحث قرار می دهد (مهمان نوازان، ۱۳۸۹: ۳۴).

مفهوم اصل جبران کلیه خسارات

در پی تحولاتی که در دو سده اخیر حقوق مسئولیت مدنی با آن مواجه بوده است، ما شاهد تحول عظیمی در خصوص خسارات قابل جبران بوده ایم. در واقع تا قبل از این دوره، نظام های حقوقی تنها بخش اندکی از خسارات، یعنی تلف یا نقصان وارده بر مال، اعم از عین و منافع، و خسارات جانی را قابل جبران می دانستند، ولی در پی تحولات اخیر مقولات بسیار گسترده تری به عنوان خسارت قابل جبران توسط حقوق مسئولیت مدنی به رسمیت شناخته شد؛ خساراتی از قبیل خسارت معنوی، خسارت اقتصادی، عدم النفع تجاری، از دست دادن فرصت و طیف وسیعی از خسارات بدنی، همچون لطمه به زیبایی، عدم امکان تفریح و ورزش مورد علاقه و... در زمره این خسارات هستند.

گسترش این تحولات سبب شده تا در برخی از نظام های حقوقی یک قاعده عمومی بنا گذارده شود به نام "اصل قابلیت جبران کلیه خسارات". این قاعده قدمتی بیش از یک قرن ندارد و هم اکنون در بسیاری از نظام ها با این کلیت پذیرفته نشده است. به موجب این اصل، که به نظر می رسد برگرفته از اصل لزوم جبران ضرر می باشد، هر کس زبان ناروایی، صرف نظر از نوع آن، چه مادی باشد، چه معنوی، چه مالی باشد و چه

بدنی، به کسی وارد آورد مکلف به جبران همه خسارت وارده می‌باشد تا اینکه در پناه جبران خسارت زیان دیده، آثار زیانبار عمل عامل زیان رفع گردیده و زیانی بدون جبران باقی نمانده (بابایی، ۱۳۸۶: ۴۶).

بر طبق این اصل حقوقی، برای جبران پذیری یک خسارت داوری و نظر عرف کفایت می‌کند و دیگر به تصریح و حکم قانونگذار مبنی بر قابل جبران بودن یک خسارت نیازی نمی‌باشد. به عبارت دیگر، جبران خسارت مطابق با اصل بوده و جهت جبران پذیری خساراتی که عرف حکم به ناروا بودن و جبران آن می‌دهد، تصریح قانونگذار به قابلیت جبران خسارات شرط نمی‌باشد. از این رو، هیچ خسارت ناروای نباید به بهانه سکوت قانون غیر قابل جبران اعلام شود. از آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم که قاضی دعوی مسئولیت مدنی، در مقام حکم به جبران خسارت باید دنباله روی عرف کند و به قضاوت عرف گردن نهد. فلذا، وی نباید عدم تصریح قانونگذار به جبران پذیری نوعی از خسارت را دلیل بر عدم امکان جبران این گونه خسارت قلمداد کند و حکم به عدم لزوم جبران این گونه خسارات دهد.

در راستای اعمال این اصل، در حقوق مسئولیت مدنی نه تنها باید خسارات قانونی جبران شود، بلکه کلیه خسارات عرفی، که قانون نسبت به قابلیت جبران آن ساکت می‌باشد، ولی عرف جامعه جبران آن را لازم می‌داند نیز از قابلیت جبران برخوردار می‌باشد. فلذا، حکم حقوقدانان و فقها مبنی بر قابلیت جبران خساراتی همچون عدم النفع تجاری، خسارات معنوی، اعم از تحمل درد و رنج و از دست دادن فرصت یک زندگی سعادت‌مند، هزینه‌های درمان، تفویض منافع انسانی، از دست دادن شانس و فرصت و...، علی‌رغم سکوت مقنن، در راستای اعمال این اصل می‌باشد.

اصل جبران خسارت در حقوق مدنی

در بیان مفهوم جبران خسارت تعاریف بسیار گسترده و عمیق و در عین حال کلی و مجهول می‌باشد. به معنای ضرر زدن، زیانمندی، ضرر و زیان و... عنوان نموده‌اند و حکم به پرداخت خسارت اصل عمومی و کلی آن است که خواهان حق دارد به طور کلی و کامل از جبران خسارت بهره‌مند شود به خاطر چیزی که از دست داده (مهمان نوازان،

۱۳۸۹: ۲۲) بدین ترتیب مطالبه خسارت در صورتی به نتیجه می‌رسد که طلبکار ثابت کند ضرر به او وارد شده است (شهیدی، ۱۳۶۸: ۶۸).

در حقوق ایران طرفین وقتی می‌توانند مطالبه خسارت نمایند که اثبات کنند طرف مقابل با انقضای مدت از انجام تعهدات خود امتناع کرده است. البته متعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌گردد که نتواند اثبات نماید که عدم انجام تعهد به واسطه علت خارجی بوده است که قابل انتساب به وی نبوده و دفع آن خارج از حیطه اقتدار او بوده است. در حقوق ایران، در اینکه آیا پس از فسخ معامله، هر یک از طرفین خواهند توانست تفاوت قیمت کالا در معامله اول را با قیمت کالا در معامله دوم (جایگزین) به عنوان خسارت مطالبه نمایند، جای تردید است. ولی با توجه به اینکه روش مزبور، شیوه‌ای برای ارزیابی خسارت است و شیوه‌های ارزیابی خسارت در حقوق ایران در اختیار دادگاه می‌باشد و محدودیتی در این باره وجود ندارد، می‌توان گفت که شیوه مبتنی بر محاسبه تفاوت قیمت قرارداد اول با قیمت معامله جایگزین در حقوق ایران قابل قبول است. در مواردی که برای بایع حق فسخ به وجود می‌آید، وی حق خواهد داشت که معامله را فسخ کند و در نتیجه مجدداً مالک مبیع گشته و حق بازفروش آن را نیز پیدا خواهد نمود؛ و اگر آن را با رعایت موازین قانونی به قیمتی کمتر از قیمت قرارداد اول بفروشد، در نتیجه مستحق دریافت خسارت و مابه‌التفاوت ثمن از خریدار اول می‌گردد.

همچنین در اینکه آیا در صورت فسخ قرارداد و رد مبیع و ثمن به صاحبان اولیه آن‌ها و کاهش یا افزایش در قیمت مبیع، طرفین می‌توانند پس از استرداد عوضین، تفاوت قیمت بازار با قیمت قراردادی را به عنوان خسارت مطالبه کنند نیز، جای تردید است و در قانون مدنی ایران این امر پیش بینی نشده است. البته ماده ۳۹۱ ق.م.مقرر نموده که در صورت مستحق للغير درآمدن کل یا بعض از مبیع، بایع باید علاوه بر رد ثمن، در صورت جهل مشتری، غرامات وارده بر مشتری را نیز بپردازد. سؤال این است که غرامت وارده به مشتری چه نوع غرامتی است؟ آیا افزایش قیمت مبیع و در نتیجه ارزش افزوده، غرامت محسوب می‌شود یا نه؟ نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، در پاسخ به این سؤال، بیان می‌دارد که غرامت وارده به مشتری علی‌الاصول خسارات و مخارجی است

که مشتری در معامله مربوطه بابت دلالتی و باربری و تعمیرات و امثال آن، متحمل می‌شود و شامل افزایش قیمت ملک نمی‌گردد. با این وجود، به نظر می‌رسد با استناد به قواعد عمومی مسئولیت مدنی و با عنایت به اینکه روش مزبور هم شیوه‌ای برای ارزیابی خسارت است، می‌توان به امکان مطالبه تفاوت قیمت حکم داد.

در مورد خسارات تأخیر تأدیه ثمن و یا دیگر تعهدات پولی؛ در حال حاضر، با توجه به نظرات متعدد شورای نگهبان در مورد حرمت اخذ خسارت تأخیر پرداخت وجه، وضعیت حقوق ایران مشخص نیست. با وجود این، با توجه به تبصره ۲ ماده ۵۱۵ و ماده ۵۲۲ قانون جدید آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است، یا طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی از جمله قاعده تسبیب، می‌توان آن را پذیرفت (صفایی، ۱۳۸۳: ۲۲۸-۲۳۰).

به علاوه، در ماده ۲۳۸ قانون مدنی نیز در مورد شرط ضمن عقد، شبیه این مقرره ذکر شده است. اما در آنجا اعمال این حق مشروط بر این است که ابتدا اجبار مشروط علیه بر انجام تعهد خواسته شود و در مرحله بعد، تعهد توسط دیگری و به هزینه او اجرا می‌گردد.

دیدگاه فقهای امامیه در پذیرش اصل جبران خسارت

در فقه امامیه و فقه اهل عامه، یکی از مهم‌ترین مباحث فقهی مسأله موجبات ضمان است که منظور از آن التزام زیان زننده به جبران خسارت‌های ناشی از یکی از موجبات ضمان، همچون اتلاف، تسبیب و غیره، می‌باشد که به این معنا می‌باشد که اصل جبران خسارت مورد پذیرش فقهای امامیه قرار گرفته است و برای تحقیق و بحث اکثر فقهای امامیه در این حوزه چنین است که آن‌ها بدون آنکه بحث مستقلاً را به مقوله خسارات قابل جبران اختصاص دهند و قاعده‌ای کلی در این باره بنا نهند به مناسبت در بحث‌های مختلف فقهی متعرض مسأله خسارات قابل جبران شده و در هر مقام مباحثی را در خصوص قابل جبران بودن بعضی از خسارات و تمییز آن از خسارات غیر قابل جبران مطرح نموده‌اند. فی المثل، در بحث از قواعد اتلاف، تسبیب، غرور و غصب، مباحثی توسط فقها ارائه شده و آن‌ها در این قسمت‌ها به بحث جبران خسارت پرداخته و طی آن

حکم به جبران پاره‌ای از خسارات داده و در خصوص بعضی دیگر ضمان را منتفی دانسته‌اند. در این میان جامع‌ترین کتابی که فقها در این زمینه تدوین نموده‌اند کتاب «العناوین» است که به مرحوم عالمه میرفتاح مراغه‌ای اختصاص دارد.

در آیات متعدد قرآن کریم، اکل مال به باطل منع شده است. خداوند در آیه ۲۹ سوره نساء، یکی از کلی‌ترین قواعد حاکم بر اموال را بیان داشته است. در این آیه آمده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ﴾ (نساء/

۲۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر آنکه تجارتی از روی رضا و رغبت کرده و سودی برید»

آیه اعتدا

یکی از آیاتی که بسیاری از فقیهان در شیوه جبران خسارت از آن استفاده کرده‌اند، آیه «اعتدا» است: ﴿فَمَنْ عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾ (بقره/۱۹۴)؛ هر کس به شما تجاوز کرد همانند خودش بر او تعدی نمایید. یکی از مصادیق اعتدا در امور مالی، اتلاف مال غیر است (اصفهانی، ۱۶۱۸، ۲: ۳۲۲).

بیان شیوه جبران خسارت، نشان دهنده این است که اصل مسئولیت مدنی، مفروض انگاشته شده است. به همین جهت برخی از فقیهان برای اثبات مسئولیت مدنی در موارد خاص نیز به همین آیه استدلال کرده‌اند. مثلاً علامه حلی برای اثبات مسئولیت مدنی مرتد، به این آیه استدلال کرده است (حلی، ۱۳۳۳: ۹۸۹).

آیه معاقبه

از جمله آیات دیگر در باب شیوه جبران خسارت، آیه معاقبه است. خداوند در این آیه می‌فرماید:

﴿وَلَنْ عَاقِبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهِ﴾ (نحل/۱۲۶)

برخی از فقیهان برای اثبات مسئولیت مدنی، به این آیه استناد کرده‌اند صاحب «جواهر» (نجفی، همان: ۸۶) بر این باور است که آیه بر جواز مقاصه دلالت می‌کند و مقتضای این جواز، ضمان به شیء است. همچنین، /صفهانی نیز اتلاف در امور مالی را مصداق معاقبه می‌داند که در نتیجه ضمان به اثبات می‌رسد. ولی برخی دیگر از فقیهان استدلال فوق را با اشکال مواجه دیده‌اند و آیه فوق را به امور جزایی مربوط دانسته‌اند، نه مسئولیت مدنی (مکارم شیرازی، ۱۶۱۰: ۱۹۵). نتیجه سخن اینکه، اگر کسی با ارتکاب جرم خسارتی وارد کرد، طرف زیان دیده حق دارد مقابله به مثل کند.

آیات «جزاء سیئة» آیات زیادی از قرآن بر تناسب میان بدی و جزای آن دلالت می‌کند. آیاتی از قبیل:

﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا﴾ (شوری / ۴۰)

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾

(انعام / ۱۶۰)

تناسب میان بدی و جزای آن، هم به دنیا و هم به جهان آخرت مربوط می‌شود. از همین رو، فقیهان این آیات را برای اثبات تناسب جرم و مجازات در قصاص استفاده کرده‌اند. اکنون بر فرض اینکه سینه بر اتلاف مال نیز اطلاق گردد، می‌توان از این آیات در اثبات مسئولیت مدنی نیز سخن گفت، با این توضیح که اگر جزای اتلاف مالی، اتلاف مال باشد و از طرفی از بین بردن مال و نابود کردن آن به لحاظ شرعی و قانونی ممنوع باشد، می‌توان جزای اتلاف مال دیگری را پرداخت خسارت دانست که به نوعی اتلاف مال شخص محسوب می‌شود و در نهایت می‌توان مسئولیت مدنی واردکننده زیان را نتیجه گرفت. ولی این نکته مطرح می‌شود که در سینه، نوعی نیت نادرست وجود دارد. به عبارت دیگر برای صدق عنوان سینه بر فعل، قبح فعلی و فاعلی شرط است. البته باید توجه داشت که در مسئولیت مدنی، قبح فاعلی شرط تحقق مسئولیت نیست و صرف وجود قبح فعلی کفایت می‌کند. حتی ممکن است گفته شود، قبح فعلی هم نیاز نیست. البته این نکته به این معنی نیست که این آیات، ارتباطی با مسئولیت مدنی ندارد، بلکه همانطور که در مباحث قبل گذشت، مواردی از مسئولیت مدنی را می‌توان از این آیات استفاده کرد برای مادر است.

اهداف اصل قابلیت جبران کلیه خسارات

یکی از رؤس ثمانیه علوم، که معمولاً ذهن نویسندگان علوم را به خود مشغول می‌دارد، بحث از هدف یا هدف‌هایی است که هر علمی سعی دارد به آن دست یابد. در حقوق مسئولیت مدنی نیز بحث از هدف این علم از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا بدون مشخص نمودن هدف مسئولیت مدنی، نمی‌توان به مبنای حقوق مسئولیت مدنی و تنظیم و تنسیق قواعد پیرامون آن پرداخت. آنچه ذیل عنوان هدف مسئولیت مدنی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد این است که مسئولیت مدنی در عمل چه نیازها و اهدافی را برآورده خواهد کرد و یا باید سعی در برآورده کردن آن بنماید.

بلاشک، مسئولیت مدنی هم در ارتباط با زیان دیده، هم در ارتباط با وارد کننده زیان و هم در ارتباط با جامعه اهداف و کارکردهای خاصی دارد (بادینی، ۱۳۸۶: ۵۵). در درجه اول، هدف مسئولیت مدنی در ارتباط با شخص زیان دیده، جبران خسارت وی و در درجه دوم جلب رضایتمندی ایشان و دفع حس انتقام جویی و کینه ورزی وی می‌باشد. اما هدف مسئولیت مدنی در ارتباط با وارد کننده زیان تنبیه وی و بازداشتن ایشان از انجام اعمال پرخطر در سطح جامعه و جلوگیری از انجام دوباره این اعمال می‌باشد. اما در ارتباط با جامعه نیز باید گفت هدف قواعد مسئولیت مدنی بازدارندگی آحاد مردم یک جامعه به ورود زیان به یکدیگر می‌باشد؛ به عبارت دیگر، مسئولیت مدنی سعی می‌کند با گذاشتن بار جبران خسارت بر دوش عامل زیان، به عاملین بالقوه زیان نشان دهد که اعمال زیانبار آن‌ها از سوی قانون و حقوق بی جواب نخواهد ماند.

آنچه گفته شد، اهداف حقوق مسئولیت مدنی است، فلذا تمامی قواعد مسئولیت مدنی، خصوصاً قواعد جبران پذیری خسارات، نیز باید در راستای تحقق این اهداف سه‌گانه، یعنی جبران، تنبیه و بازدارندگی، تنظیم و تنسیق شوند و یا مورد تفسیر واقع شوند. به نظر می‌رسد، پذیرش اصل قابلیت جبران کلیه خسارات، به عنوان یکی از اصول حقوق مسئولیت مدنی، می‌تواند تا حد بسیاری ما را به این اهداف برساند؛ زیرا در مقام بیان مهم‌ترین اهداف این اصل می‌توان به احقاق حقوق زیان دیده، جلب رضایت ایشان، مجازات عامل زیان، برقراری عدالت و حفظ نظم و امنیت اجتماعی اشاره نمود. در ذیل به تبیین هرچه بیش‌تر این اهداف اشاره خواهد شد.

احقاق حقوق زیان دیده و اعاده وضع به حالت سابق

همانطور که از سوی حقوقدانان مورد تصریح قرار گرفته است، بلاشک، مهم‌ترین هدف و کارکرد قواعد مسئولیت مدنی، جبران زیان وارده به شخص زیان دیده و احقاق حقوق وی می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۵۹ و داراب پور، ۱۳۷۳: ۹۳)؛ در دو سده اخیر توجه به این هدف و کارکرد حقوق مسئولیت مدنی تا به آن حد بوده که اندیشمندانی همچون ریپر، در این باره می‌گویند: «امروز مسأله مسئولیت چیزی جز جبران خسارت نیست... و حقوق کنونی تمایل دارد تا اندیشه جبران خسارت را جایگزین اندیشه مسئولیت کند» (بادینی، ۱۳۸۶: ۶۴).

حقوق مسئولیت مدنی معاصر بنا بر دلایل مختلف بیش‌تر جانب زیان دیده را می‌گیرد تا وارد کننده زیان. از این رو، عده‌ای از نویسندگان، همچون بوریس استارک، با برتری بخشیدن به حق امنیت شهروندان بر حق فعالیت آن‌ها، مبنای مسئولیت مدنی را تضمین حقوق زیان دیده و حمایت از منافع و معرفی کرده‌اند (همان: ۱۱). از این رو، قواعد مسئولیت مدنی باید تا آنجا که ممکن است در راستای دفاع از حقوق زیان دیده و حمایت از منافع وی تنظیم و تنسیق یابند؛ زیرا این شخص عامل زیان است که با ارتکاب فعل زیانبار به تضییع حقوق زیان دیده پرداخته و منافع مشروع وی را به خطر انداخته و زمینه ورود خسارت به وی را فراهم آورده است.

پذیرش اصل قابلیت جبران کلیه خسارات، بیش از هر چیز ما را به این مهم رسانده و هدف ما را از حقوق مسئولیت مدنی برآورده می‌سازد؛ زیرا این اصل دایره خسارات قابل جبران را گسترش می‌دهد و زیان دیدگان بیش‌تری را در زیر چتر حمایتی حقوق مسئولیت مدنی قرار می‌دهد. در نقطه مقابل، عدم پذیرش اصل قابلیت جبران کلیه خسارات و پای‌بندی به نظام قانونی جبران خسارت سبب می‌شود که تنها آن خساراتی قابل جبران باشد که از قبل از سوی قانونگذار حکم به جبران آن داده شده باشد و این امر سبب عدم جبران بسیاری از مقولات خسارات خواهد شد؛ امری که به هیچ وجه با کارکرد و هدف مسئولیت مدنی، که همان جبران خسارت زیان دیدگان می‌باشد، همخوانی نخواهد داشت.

جلب رضایت زیان دیده

همانطور که مجازات بزهکار در حقوق جزا موجبات خشنودی و تسلی خاطر بزه‌دیده را فراهم می‌سازد و حس انتقام جویی وی را فرو می‌نشاند، کشاندن وارد کننده زیان به دادگاه و مسئول شناختن وی و اجبار ایشان به جبران خسارات وارده به زیان دیده نیز می‌تواند چنین نقشی را در حقوق مسئولیت مدنی ایفا کند. بلا شک، با جبران زیان وارده به شخص زیان دیده، علاوه بر جبران خسارات وی، ما می‌توانیم شاهد ارضاء خاطر وی و فروکش نمودن حس انتقام جویی وی باشیم (بادینی، ۱۳۸۶: ۵۵).

علت عمده‌ای که بعضی از حقوقدانان و قوانین حکم به جبران خسارات روحی و معنوی می‌دهند نیز همین ارضاء و تسلی خاطر زیان دیده می‌باشد، و این در حالی است که شاید هیچ کس نباشد که با این عقیده که لطمات روحی وارده شده با پرداخت پول به شخص زیان دیده جبران نخواهد شد، مخالفتی داشته باشد. از این روست که بعضی از حقوقدانان در خصوص جواز پرداخت پول برای جبران خسارات معنوی می‌گویند پرداخت پول در خصوص این گونه خسارات جبران کننده نیست، بلکه خشنود کننده است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۶۶۸).

مجازات و پیشگیری

قواعد مسئولیت مدنی علاوه بر جبران خسارت، هدف و کارکرد دیگری نیز دارد که شاید در درجه دوم اهمیت باشد. بلاشک، قواعد مسئولیت مدنی در کنار جبران خسارت زیان دیدگان، می‌تواند نقش مهمی نیز در تنبیه واردکننده زیان و بازداشتن وی از ارتکاب مجدد فعل زیانبار در آینده داشته باشد (Symeonides, 2007: 153). بنابراین بازدارندگی هدف ثانویه حقوق مسئولیت مدنی می‌باشد (باریکلو، ۱۳۹۰: ۹۰).

هدف بازدارندگی برای حقوق مسئولیت مدنی یک هدف فرعی است که بر خلاف جبران خسارت که نگاه به گذشته دارد، به مسئولیت مدنی خصیصه آینده نگری می‌دهد. در حقیقت، مسئولیت مدنی از طریق جبران خسارت زیان دیده، در کنار رفع تجاوز نسبت به حقوق خواهان و جلوگیری از ورود خسارت مجدد به وی، در پی آن است که دیگران، خصوصاً زیان رسان، را از اضرار به دیگران باز دارد و آن‌ها را به رعایت احتیاط و

نرم‌های رفتاری وادار سازد؛ زیرا هزینه‌های ناشی از جبران خسارت به مراتب بیش‌تر از هزینه‌های مربوط به پیشگیری از ورود زیان است.

برقراری عدالت و حفظ نظم

یکی دیگر از اهدافی که می‌توان ادعا داشت اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در صدد تحقق آن است و با پذیرش آن محقق می‌شود، برقراری عدالت می‌باشد؛ عدالت، به عنوان آرزوی دیرینه و همیشگی انسان، اقتضا می‌کند که ضرر ناشی از فعل غیر بلا جبران رها نشود، بلکه بار گران آن را ایجاد کننده آن بر دوش کشد (باریکلو، ۱۳۹۰: ۲) زیرا زیان، در نتیجه عمل عامل زیان حاصل آمده و شخص زیان دیده هیچ نقشی در بروز آن نداشته است تا بخواهد بار تحمل آن را بر دوش کشد.

گذاشتن بار تحمل خسارات ناروای حاصله از اقدامات اشخاص دیگر، بر دوش شخص زیان دیده یک بی‌عدالتی آشکار است، بلکه بار جبران آن باید بر دوش مسبب آن گذاشته شود؛ زیرا این شخص عامل زیان بوده که با انجام عمل خویش و ورود زیان به زیان دیده وضعیت پیشین و تعادل موجود را بر هم زده و اکنون نیز باید در رفع آن کوشش کافی را بنماید. رفع آثار چنین امری با پذیرش اصل قابلیت جبران کلیه خسارات تحقق خواهد یافت.

مسئولیت در فقه

واژه مسئولیت در زبان عربی مصدر جعلی از کلمه مسئول است و در آیات و احادیث اسلامی به معنی مورد بازخواست و مجازات واقع شدن به دلیل انجام یا خودداری از انجام کاری به کار رفته است (بادینی، ۱۳۸۴: ۲۸) با مراجعه به قرآن کریم واژه مسئولیت در مفاهیم ذیل استعمال گردیده است:

۱. آیه ۳۶ سوره اسراء: بی‌گمان انسان در برابر کارهایی که چشم و گوش و دل و سایر اعضای دیگر وی انجام می‌دهند مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

۲. آیه ۲۴ سوره صافات: آنان را نگه دارید که باید بازپرسی شوند و از عقاید و اعمالشان پرسیده شود.

حدیث نبوی کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ می‌گوید همه حامی و نگهبان زیردستان خود هستید و نسبت به آن‌ها بازخواست می‌شوید. با دقت در مفاهیم فوق مشخص می‌شود که مسئولیت به لحاظ ماده و مفهوم پرسش که در آن نهفته است و بیش‌تر به معنی معادل مؤاخذہ می‌باشد، از آثار ضمان می‌باشد یعنی وقتی کسی نسبت به مال یا شخص یا شیئی معین ضامن و متعهد شد ناگزیر نسبت به آن مورد پرسش و مؤاخذہ هم واقع می‌شود و این اثر امری خارج از ماهیت تعهد و التزام می‌باشد.

مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی عبارت است از تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارد شده به دیگری دارد، اعم از اینکه زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول یا عمل اشخاص وابسته به او، و یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد. در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری باشد، در برابر او مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۵۷).

ارکان مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی در اصل ناشی از بی‌مبالاتی اشخاص است ولی برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن ضروری است.

۱. وجود ضرر: هدف از قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر است لذا وجود ضرر به طور طبیعی مقدم بر جبران آن خواهد بود. در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در این‌باره چنین آمده است (انصاری، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۷۷۱): «هر کس بدون مجوز قانونی... لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

۲. ارتکاب فعل زیانبار یا نامشروع: ایراد ضرر به دیگری باید با فعل نامشروع انجام گیرد، تا قابل جبران باشد، در این باره نیز ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی چنین می‌گوید: «هر کس بدون مجوز قانونی... فعلی انجام دهد که موجب زیان دیگری شود، ضامن

است» (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۶۰). اما در صورتی که فعل مشروع باشد مثل دفاع مشروع، اگر موجب خساراتی شود، مسئول خسارات نخواهد بود؛ همانطوری که ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی نیز مؤید آن است.

۳. رابطه سببیت: صرف وجود ضرر و ارتکاب عمل نامشروع موجب جبران خسارت نمی‌شود و باید بین ضرر وارده، عامل و فعل زیانبار، رابطه سببیت احراز شود به طوری که عرف نیز به آن شهادت دهد.

مبانی مسئولیت مدنی

برای اینکه شخص، مسئول اعمال خویش باشد و ضرری را که به دیگری وارد کرده، جبران نماید، چهار مبنا و نظریه وجود دارد (قاسم زاده، ۱۳۷۸: ۲۰):

۱. **نظریه تقصیر:** شخص مقصر باید جبران کننده خسارات وارده به دیگران باشد.

۲. **ایجاد خطر:** ایجاد کننده خطر در این نظریه مسئول جبران خسارات دیگری شناخته شده است، گرچه مقصر نباشد.

۳. **نظریه مختلط:** طرفداران این نظریه نیز برای هر دو نظریه فوق، سهمی قائل شده‌اند.

۴. **تضمین حق:** هواداران این نظریه معتقدند که هر کس در جامعه حقی دارد و این حق نیز از سوی قوانین جاری مورد حمایت قرار گرفته است؛ لذا آن‌ها نظریات فوق را صحیح نمی‌دانند. در حالی که آنچه در قانون مسئولیت مدنی ما پذیرفته شده است، بیش‌تر نظریه تقصیر می‌باشد.

نظر فقها نسبت به جبران کلیه خسارات

بر طبق نظر دسته‌ای از فقها، نفس ضرر می‌تواند در کنار اتلاف، تسبیب، غصب و غرور به عنوان یکی از موجبات ضمان مطرح شود تا اگر خسارتی را نتوان در هیچ یک از موجبات فوق جای داد و آن را جبران نمود، بتوان آن ضرر را تحت عنوان عام ضرر قرار داده و حکم به جبران آن خسارت داد. مرحوم میر عبد الفتاح مراغه‌ای در کتاب خود «العاوین»، پس از نقل نظر مرحوم نراقی، پیرامون حدیث لا ضرر و بیان ایرادات مربوط

به آن (مراغه‌ای، ۱۴۱۷: ۳۱۷) به ارائه نظر و استدلال خود پیرامون حدیث "لا ضرر" پرداخته و بر آن باور است علی‌رغم آنکه متن حدیث بر نفی ماهیت ضرر و ضرار در اسلام حکایت دارد (همان: ۳۱۰). اما مفاد این حدیث در بردارنده نهی شارع بر عدم اضرار افراد به یکدیگر و به تبع آن اثبات حکم ضمان زیان زننده، می‌باشد (همان: ۳۱۱). وی این باور را که تنها خسارات وارده بر اموال و انفس، ضرر محسوب می‌شود و از این رو قابل جبران است را نقد و رد کرده و قائل به آن است که هرگونه خسارتی که به جمیع حقوق اشخاص وارد آید خسارت محسوب شده و باید جبران شود. ایشان علاوه بر شرع، دلیلی هم از عقل برای اثبات ضمان ارائه می‌کند و ضرر رساندن را قبیح و لزوم جبران خسارت را از مستقلات عقلیه معرفی می‌کند. وی با عام دانستن مفاد قاعده "لا ضرر" و بخشیدن یک چهره عرفی به مفهوم ضرر و استنباط نفی ضرر غیر متدارک از حدیث "لا ضرر"، قائل به اصل لزوم جبران کلیه خسارات عرفی در قوانین شرعی شده است.

ایشان مهم‌ترین دلیل اباتی خود را قاعده لا ضرر و قاعده "لا ضرر" را یکی از پرکاربردترین و سودمندترین قواعد فقهی می‌داند که علاوه بر مقوله ضمان در فروع فقهی بسیاری کاربرد دارد. وی در مقام بیان تشابه و تمییز قاعده "لا ضرر" از قاعده عسر و حرج (همان: ۳۱۱) می‌گوید هر دوی این قواعد نفی حکم ضرری می‌کنند؛ و لکن قاعده عسر و حرج نفی حکم ضرری تکلیفی می‌کند و قاعده "لا ضرر" هم حکم تکلیفی ضرری و هم حکم وضعی ضرری را نفی می‌نماید.

با این حال باید دانست که هرچند مرحوم عبد الفتاح مراغه‌ای قاعده "لا ضرر" را در زمره اسباب ضمان به شمار آورده، اما معلوم نیست که چرا وی آنجا که در کتابش در مقام بیان موجبات ضمان و مسقطات ضمان بوده و سخن‌های بسیار پیرامون قواعد مربوط به موجبات و مسقطات ضمان گفته، صحبتی از قاعده "لا ضرر"، ولو در حد یک اشاره کوتاه، به عنوان یکی از موجبات ضمان نکرده است؟

از یگر فقهای که می‌توان گفت طرفدار لزوم جبران خسارات می‌باشد مرحوم فاضل تونی است. مستند اصلی ایشان نیز قاعده لا ضرر است. بر طبق نظر مرحوم فاضل تونی، معنای عبارت "لا ضرر و لا ضرار" چیزی جز عدم رضایت خداوند به اینکه بعضی از مؤمنین سبب ورود خسارت بر مؤمنان دیگر شوند، نمی‌باشد (العراقی، ۱۴۱۸: ۱۶۰). از

این رو، ایشان بر آن باور است که ضرر غیر متدارک در اسلام وجود نداشته و مطابق با قاعده لا ضرر هر ضرری باید از سوی زیان زننده جبران گردد. همانطور که اشاره شد از دیگر فقهای طرفدار لزوم جبران خسارات وارده، آیت الله سیستانی، فقیه معاصر، می‌باشد. دلیل اصلی ایشان نیز جهت اثبات اصل لزوم جبران کلیه خسارات قاعده لا ضرر می‌باشد. ایشان در کتاب خود، «تقریرات قاعده لا ضرر»، با نقد آرای پیشینیان خود و نادرست خواندن تفسیری که آن‌ها از این قاعده کرده‌اند، تفسیری جدید از قاعده لا ضرر و لا ضرار ابراز می‌کند. ایشان بر آن باور است که لفظ "لا" مندرج در عبارت "لا ضرر" یک لای نفی جنس است، که معنای آن، همانطور که شیخ انصاری و میرزای نائینی پذیرفته‌اند، نفی احکام ضرری و عدم لزوم امتثال به احکام ضروری است؛ ولی "لا" موجود در عبارت "لا ضرار" یک لای نفی است که معنای آن، نهی مسلمین از ایراد خسارت به دیگران و لزوم تدارک ضرر و اتخاذ تدابیری اجرایی جهت حمایت از این نهی و تحریم، که همان لزوم جبران خسارت وارده است، می‌باشد (سیستانی، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

علاوه بر فقهای پیشین، شاید بتوان از آیت الله مکارم شیرازی نیز به عنوان یکی از طرفداران اصل قابلیت اصل جبران کلیه خسارات نام برد. ایشان نیز با استناد به قاعده "لا ضرر و لا ضرار" و البته با بیان این مطلب که مراد از این حدیث نفی ورود ضرر میان مکلفین و افراد است و نه نفی ضرر میان شارع مقدس و مکلفین، قائل بر این نظر هستند که به موجب این حدیث ایراد خسارت فردی به فرد دیگر منتفی شده و در صورت ورود خسارت نیز شارع حکم به جبران آن خسارت خواهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۶۱-۹۲).

نظر فقهای مخالف جبران کلیه خسارات

یکی از برجسته‌ترین اشخاص مخالف جبران کلیه خسارات مرحوم میرزای نائینی بود که بر آن باور است که ضمان موجباتی و عناوینی دارد که تنها در چهارچوب آن موجبات و عناوین است که خسارات قابلیت جبران پیدا می‌کند. قاعده لا ضرر نمی‌تواند خود سبب ایجاد ضمان باشد و بدین وسیله حکمی عام به ایجاد ضمان دهد. وی در این باب می‌گوید: «در مواردی که ضرری خارج از قلمرو قاعده اتلاف، ید و مانند آن به

شخصی وارد می‌آید یک فقیه نمی‌تواند با استناد به قاعده لا ضرر اثبات ضمان کند؛ زیرا این قاعده صرفاً ناظر به نفی احکام فقهی جعلی ضرری است و حال آنکه عدم حکم به ضمان از احکام مجعولیه نمی‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۷۰) تا آنکه یک فقیه بخواهد با استناد به آن جعل حکم و دفع ضرر کند. وی اضافه می‌کند که لازمه پذیرش اصل لزوم جبران ضرر و اینکه خود ضرر فی نفسه می‌تواند موجبی برای ضمان باشد باعث می‌گردد که ما حکم به جبران خسارت از ناحیه عامل زیان یا بیت المال دهیم که در هر دو صورت باعث می‌شود فقه جدیدی تأسیس شود (همان: ۶۲۰-۶۲۱).

از دیگر فقهای مخالف وجود اصل لزوم جبران کلیه خسارات در فقه مرحوم شیخ احمد خوانساری است. ایشان در کتاب خود «جامع المدارک»، منابع مسئولیت را با قاعده بد می‌داند یا قاعده اتلاف و در مواردی که خسارتی از منابعی غیر از این دو وارد می‌شود، حکم به عدم ضمان می‌دهد. از این رو، ایشان در باب ضمان حابس حکم به عدم مسئولیت حابس داده و چنین فتوی می‌دهد "اگر مال محبوس در اثر عدم مراقبت وی در اثر حبس تلف گردد، هیچ مسئولیتی از این بابت بر عهده حابس نیست؛ زیرا وی نه مالی را غصب کرده و نه مالی را تلف نموده است (خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۹۱). ایشان استدلال فقهای طرفدار ضمان حابس را که با استناد به قاعده لا ضرر حکم به ضمان حابس می‌دهند را رد کرده و می‌گوید لا ضرر فاقد نقش و قدرت اثباتی می‌باشد.

بر خلاف فقهای فوق الذکر، فقهای دیگر در خصوص مقوله جبران کلیه خسارات به طور صریح سخن نگفته‌اند، اما می‌توان از حکم مشهور فقها، همچون شهید ثانی (جبعی العاملی، ۱۴۳۵: ۱۹۱)، علامه حلی، محقق کرکی (کرکی، ۱۴۱۱: ۲۱۹) و احمد خوانساری، مبنی بر اینکه غرامت منافع تفویضی که از کسب حاصل می‌شده است مضمونه نمی‌باشد، یا نظر مشهور فقها، همچون شهید اول (مکی العاملی، ۱۴۱۵: ۱۷۱) شهید ثانی (همان: ۱۶۱)، علامه حلی، محمد حسن نجفی، حاج حبیب الله رشتی، شهید ثانی، محقق حلی و فخر المحققین، با این استدلال که حرفه و کار انسان تابع انسان و مالی مستقل محسوب نمی‌شود تا قابل اتلاف و ضمان آور باشد، حکم به ضمان آور نبودن حبس انسان داده‌اند و یا از همه عجیب‌تر، نظر فقهای معاصر، همچون آیت الله محمد تقی بهجت، آیت الله علی حسینی سیستانی و...، مبنی بر عدم جواز مطالبه

خساراتی مازاد بر دیه تعیینی از سوی شارع، من جمله هزینه درمان و...، عدم مقبولیت اصل لزوم جبران کلیه خسارات در نزد فقهای امامیه را استنتاج نمود. عمده دلیل فقها برای رد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در فقه، به چالش کشاندن دلایل مورد ارائه فقهای طرفدار اصل لزوم جبران ضرر، همچون قاعده لا ضرر، که شرح آن در مباحث پیشین گذشت، و فقد دلیل شرعی محکم دال بر لزوم جبران کلیدی خسارات، می‌باشد. اما علاوه بر آن و همانطور که بعضی از فقها نیز به آن اشاره کرده‌اند، از دو اصل عملی عدم و برائت نیز می‌توان به عنوان دلیل اثباتی این دسته از فقها یاد کرد.

الف. فقدان حکم شرعی: در کنار رد دلایل مورد استناد فقهای موافق با اصل، عمده دلیل فقهای مخالف برای رد اصل قابلیت جبران کلیدی خسارات، فقد دلیل شرعی بر اثبات این اصل می‌باشد. از نگاه فقهای امامیه، لزوم جبران هر نوع از خسارات یک تکلیف شرعی است که دلیل مثبت این تکلیف شرعی نیز باید از سوی شارع مقدس رسیده باشد؛ در صورتی که دلیلی بر اثبات حکم شارع مبنی بر لزوم جبران خسارتی وجود نداشته باشد نمی‌توان مکلفین را مجبور به جبران آن خسارت نمود. از این رو، پذیرش اصل قابلیت جبران کلیه خسارات نیز نیازمند حکم شارع است و حال آنکه هیچ دلیلی که مثبت اصل مذکور باشد به دست نیامده است.

در نزد فقهای امامیه، سیره یا عرف، به عنوان منبع اصلی اصل مذکور، نیز نمی‌تواند منبع کشف احکام شرعی، همچون اصل لزوم جبران کلیه خسارات، محسوب شود؛ چراکه نزد فقهای امامیه حجیت عرف به عنوان منبع کشف احکام شرعی، به اثبات نرسیده است (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۱۵۲). از نگاه آنان، سیره یا بنای عقلا تنها زمانی می‌تواند در مقام کشف احکام مورد استفاده قرار گیرد که موافقت معصوم از طریق آن کشف گردد (همان: ۱۴۸). یعنی باید سیره یا بنای عقلا مورد تأیید معصوم قرار گرفته باشد و حال آنکه در موضوع بحث معصوم نظری موافق بر پذیرش چنین اصلی از خود بروز نداده است.

از آنچه گفته شد به دست می‌آید که در فقه امامیه، سیره یا بنای عقلا به هیچ وجه ارزش فقهی مستقل ندارد، بلکه ارزش اثباتی آن منوط بر نظر موافق معصوم می‌باشد.

برای اثبات چنین موافقتی اولاً باید احراز شود که سیره یا عرف مورد نظر در زمان معصوم نیز وجود داشته و ثانیاً معصوم هیچ گونه منع و ردی از سیره یا عرف ننموده است (مظفر، ۱۴۲۷: ۱۴). به تبعیت از این نظر فقهی بوده است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانونگذار در اصل ۱۶۷ قانون اساسی از عرف به عنوان منبع کشف احکام نامی نبرده است.

بر خلاف نظر فقهای امامیه، عرف در نزد فقهای اهل سنت از جایگاه مستحکمی برخوردار می‌باشد. آن‌ها عرف را جزو منابع کشف حکم دانسته و برای آن ارزش اثباتی قائل می‌باشند. در این خصوص *مصطفی احمد الرزقا* می‌نویسد: «فقه اسلامی برای عرف ارزش و اعتبار زیادی قائل است و در اعتبار آن اتفاق نظر دارد... فقهای اسلامی... در اثبات حقوق... برای عرف ارزش بسیاری زیادی قائل‌اند و آن را به عنوان یک اصل مهم و منبع عظیم و وسیع در اثبات احکام حقوقی معتبر دانسته و به آن عمل می‌کنند مگر آنکه نص شرعی صریحی آن را رد نماید» (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

ب. اصل عدم مسئولیت: دومین دلیلی که می‌توان برای عدم پذیرش اصل قابلیت جبران کلیه خسارات ذکر نمود اصل عدم می‌باشد. اصل عدم بیانگر این واقعیت فلسفی است که اصل اولیه در جهان طبیعت بر عدم و نیستی هر امر حادثی در جهان حکایت دارد؛ مگر آنکه وجود آن به اثبات رسد؛ زیرا وجود هر چیزی مسبوق به عدم و نیستی است. بنابراین، کسی که مدعی تحقق چیزی است باید وجود آن را به اثبات رساند. از این روست که در حقوق گفته می‌شود *البینه علی المدعی و الیمین علی من أنکر*.

به موجب این اصل، و به فرض پذیرش این اصل فلسفی در علوم اعتباری، اصل اولیه‌ای بر عدم مسئولیت حکایت دارد و تنها زمانی می‌توان از این اصل خارج شد که در حد کافی دلیل بر مسئولیت شخص زیان رسان وجود داشته باشد (ره پیک، ۱۳۹۰: ۱۷). فلذا، اگر در مقام اثبات مسئولیت عامل زیان و جبران خسارت زیان دیده شکی ایجاد شود، این شخص زیان دیده است که باید به هر نحو اشتغال ذمه عامل زیان را ثابت کند؛ در غیاب چنین دلیل متقنی، اصل عدم حکومت خواهد داشت.

از آنچه گفته شد به دست می‌آید، پذیرش اصل لزوم جبران کلیه خسارات نیازمند ارائه دلیل و اثبات می‌باشد؛ بنابراین، با توجه به عدم وجود دلیل متقن بر پذیرش اصل

لزوم جبران کلیه خسارات، اگر در خصوص قابلیت جبران نوعی خاص از خسارت شک کنیم، بنا بر اصل عدم باید حکم به عدم قابلیت جبران خسارت مشکوک دهیم. فلذا، باید گفت از آنجایی که تکلیف زیان رسان به جبران کلیدی خسارت و پذیرش اصل قابلیت جبران کلیه خسارات، مخالف اصل عدم می‌باشد، غیر قابل پذیرش است.

مبانی نظری اصل قابلیت جبران خسارات

همانطور که در مباحث مقدماتی گفته شد در علم حقوق منظور از اصول حقوقی احکام ثابت شده‌ای هستند که عقل مستقل اجرای آن را برای سعادت انسان لازم و ضروری می‌داند و بدون آنکه اجرای آن در قوانین پیش بینی شده باشد، بر اجرای آن تأکید دارد؛ فلذا، منبع اصول حقوقی، عقل انسان و نه اراده قانونگذار و یا قوانین موضوعه، می‌باشد. اگر بخواهیم "قابلیت جبران کلیه خسارات" را به عنوان یک اصل حقوقی مورد پذیرش قرار دهیم بایستی این اصل را مستند به عقل نموده و سعی در تبیین مبانی و توجیهاات عقلی آن بنماییم.

در این رابطه، عده‌ای از فقهای اسلامی، همچون میر عبد الفتاح مراغه‌ای (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۱۳۱) و چندی از اساتید حقوق (امامی، ۱۳۹۳: ۱۹۱؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۵۶)، قاعده نفی ضرر را یک قاعده عقلی معرفی کرده و از عقل به عنوان نخستین منبع اصل فوق یاد کرده‌اند. مطابق با این دیدگاه، مستند اصلی این قاعده عقل و بنای عقلا (محمدی، ۱۳۸۶: ۲۳۱) بوده و این قاعده از مستقلات عقلیه به شمار می‌رود که عقل حتی بدون نیاز به حکم شارع نیز می‌توانست حکم به وجود آن دهد (مراغه‌ای، ۱۴۲۵ق: ۳۱۲). صرف نظر از دلایل و ملاحظات حقوقی پیرامون پذیرش یا رد این اصل و صرفاً در مقام توجیه عقلانی این اصل حقوقی، به تبیین دلایل صرف عقلی پذیرش اصل قابلیت جبران کلیه خسارات پرداخته شود.

منابع فقهی اصل جبران خسارت

در فقه امامیه و فقه اهل سنت، یکی از مهم‌ترین مباحث فقهی، مسأله موجبات ضمان است که منظور از آن التزام زیان زننده به جبران خسارت‌های ناشی از یکی از

موجبات ضمان، همچون اتلاف، تسبیب و غیره، می‌باشد. متدولوژی تحقیق و بحث اکثر فقهای امامیه در این حوزه چنین است که آن‌ها بدون آنکه بحث مستقلی را به مقوله خسارات قابل جبران اختصاص دهند و قاعده‌ای کلی در این باره بنا نهند به مناسبت در بحث‌های مختلف فقهی متعرض مسأله خسارات قابل جبران شده و در هر مقامی مباحثی را پیرامون خسارات قابل جبران مطرح نموده‌اند. به عنوان مثال، در بحث از قواعد اتلاف، تسبیب، غرور و غصب، مباحثی توسط فقها ارائه شده و آن‌ها در این مباحث به بحث جبران خسارت پرداخته و طی آن حکم به جبران پاره‌ای از خسارات داده و در خصوص بعضی دیگر، ضمان را منتفی دانسته‌اند. در این میان جامع‌ترین کتابی که توسط فقها در این زمینه تدوین شده کتاب «العناوین» است که به مرحوم علامه میر عبدالفتاح مراغه‌ای اختصاص دارد. «العناوین» کتابی است که در بردارنده مجموعه بسیاری از قواعد فقهی در ابواب مختلف فقهی، من جمله قواعد پیرامون موجبات ضمان و مسقطات ضمان، می‌باشد.

صرف نظر از شیوه تحقیق فقهای عظام، در این مبحث در پی آن هستیم که با بررسی آرای فقها در خصوص مقوله خسارات قابل جبران، به بررسی جایگاه و شناسایی اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در نظرات آن‌ها بپردازیم و ملاحظه کنیم آیا در فقه اسلامی اصل لزوم جبران خسارت یا اصل لزوم جبران کلیه خسارات از سوی فقها به رسمیت شناخته شده است یا خیر؟ در راستای تحقق این هدف، ابتدا به بررسی و نقد آرای فقهای موافق این اصل و استدلال مورد ارائه آن‌ها اشاره شده و سپس به بررسی و نقد نظرات فقهای مخالف این اصل پرداخته و در نهایت به این نتیجه گیری می‌پردازیم که نظر کدام دسته از فقها با شرع انور موافقت دارد.

قبل از هر چیز باید اشاره کرد تا آنجا که در منابع مهم فقهی تحقیق شده، فقها صراحتاً در خصوص پذیرش یا رد اصل لزوم جبران کلیه خسارات سخنی نگفته‌اند؛ بلکه آنچه عمدتاً در کتب فقهی به چشم می‌آید تنها بر مخالفت با موافقت فقها بر وجود حکم شرعی دال بر لزوم جبران کلیدی انواع ضرر حکایت دارد. به عبارت بهتر، عده‌ای از فقها، با استناد به حکم عقل و شرع، قائل به وجود اصل لزوم جبران ضرر بوده و از این رو حکم به جبران خسارات ناروا می‌دهند و عده‌ای دیگر از فقها برای جبران انواع خسارات ناروا،

وجود حکم شارع را لازم و ضروری می‌دانند، به نحوی که در صورت نبودن حکمی دایر بر جبران ضرر، حکم به عدم ضمان می‌دهند. فلذا، باید گفت هرچند که این بحث در نزد فقها مغفول نمانده، اما آنچه از مطالعات فقهی به دست می‌آید تنها عباراتی است که با توسل به تفسیر می‌توان آن را به مقوله اصل لزوم جبران کلیه خسارات مرتبط دانست و پذیرش یا رد نظریه لزوم جبران کلیه خسارات را از آن استنتاج نمود.

نظر فقهای موافق با اصل جبران خسارت

فقها جهت اثبات ضمان از قواعد متعددی بهره برده‌اند. آن‌ها، گذشته از قاعده علی‌الید، اتلاف و قاعده غرور، که از موجبات ضمان بوده و فقها برای اثبات مسئولیت در موارد تحت شمول قاعده، از آن‌ها استفاده می‌کنند، برای اثبات ضمان به طور کلی نیز از قواعد کلی‌تری، همچون احترام مال مسلم و قاعده لا ضرر، بهره جسته‌اند. تفاوتی که این دو قاعده، یعنی حرمت مال مسلم و لا ضرر، نسبت به قواعد فوق الذکر، همچون اتلاف و تسبیب، دارد گستردگی دایره شمول این قواعد در مقایسه با قواعد دیگر است. به عنوان مثال، اگر قاعده ید فقط در موارد تصرف شخص در مال دیگری قابل اجراست یا قاعده اتلاف در صورت تلف کردن مال دیگری به کار می‌رود و با قاعده غرور در فرض فریب خوردن زیان دیده مطرح می‌شود، قاعده احترام به حقوق مسلم و قاعده لا ضرر یک قاعده عامی است که در هر حالتی که خسارتی به بار می‌آید، می‌تواند جهت اثبات ضمان عامل زیان به کار فقیه آید.

بعضی از فقهای عامه (السکانی، بی‌تا: ۲۵۳؛ احمد محمد، ۱۴۰۵: ۳۸) و چند تن از فقهای امامیه، همچون میر عبد الفتاح مراغه‌ای، فاضل تونی، علی حسینی سیستانی و تنی چند از فقهای دیگر، با استناد به این دلایل است که نهی اضرار به غیر را یکی از احکام شرعی دانسته و لزوم جبران خسارات را به عنوان یک اصل کلی در فقه اسلامی مورد پذیرش قرار داده‌اند که نتیجه پذیرش این حکم کلی می‌تواند پذیرش اصل قابلیت جبران کلیه خسارات باشد. این دسته از فقها، با تفسیری که خود از حدیث "لا ضرر" ارائه می‌دهند، یعنی نهی اضرار به غیر و یا نفی ضرر غیر متدارک در اسلام، و با اشاره به اینکه از نظر ادبی عبارت "لا ضرر و لا ضرار" یک جمله نکره منفیه است و این قبیل

ترکیبات در ادبیات عرب افاده عموم می‌کند و ضمن پذیرش مفهوم عرفی برای ضرر، تمام اقسام ضرر و زیان را مشمول مفاد حدیث مذکور دانسته و قائل به لزوم جبران کلیدی خسارات شده‌اند.

بر طبق نظر این دسته از فقها، نفس ضرر می‌تواند در کنار اتلاف، تسبیب، غصب و غرور به عنوان یکی از موجبات ضمان مطرح شود تا اگر خسارتی را نتوان در هیچ یک از موجبات فوق جای داد و آن را جبران نمود، بتوان آن ضرر را تحت عنوان عام ضرر قرار داده و حکم به جبران آن خسارت داد.

بررسی جبران خسارت در نظام حقوقی

الف. ضرورت جبران خسارت معنوی در حقوق: در حقوق ایران نیز گذشته از اینکه اغلب حقوقدانان قائل به جواز جبران خسارت معنوی هستند (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۶۰). تعدادی از صاحب‌نظران در این زمینه شدیداً با صدق عنوان ضرر بر خسارت‌های معنوی و یا قابلیت و امکان جبران آن مخالف بوده و معتقدند که طبیعت خسارت‌های معنوی به گونه‌ای است که به هیچ وجه قابل جبران نیست (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۵۹).

عده‌ای از دانشمندان علم حقوق نیز بر این نظر بودند که از دیدگاه نظری امکان جبران رنج و الم احساس شده و یا حیثیت بر بادرفته وجود ندارد؛ چون این گونه امور قابل تقویم به پول نیست. عده‌ای دیگر گویند: حتی تقویم آن به پول، ممکن است نوعی اهانت به شخصیت کسی که آن را تحمل کرده تلقی گردد.

از دیدگاه عملی نیز برآورد خسارت معنوی با مشکلاتی همراه است. چون در عمل، قاضی میزان ضرر و زیان را بر مبنای تقصیر مرتکب تعیین می‌کند، در حالی که مسئولیت مدنی فقط هنگامی عادلانه تلقی می‌گردد که صرفاً بر مبنای خسارت واقعی به زیان دیده تقویم، شده باشد (لورراسا، ۱۳۷۵: ۱۰۶) اما با گذشت زمان، تحولاتی در این زمینه ایجاد شده است، به طوری که اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان اعم از داخلی و خارجی امروزه به ضرورت جبران هر نوع ضرر و زیان معنوی معتقدند و در مقام رد دلایل مخالفان اظهار می‌دارند: اول، پرداخت مبلغی پول، یگانه راه ترمیم خسارت وارد شده به متضرر نیست و اغلب قانونگذاران طرق جبرانی دیگری را نیز مد نظر قرار

داده‌اند. دوم، هدف از جبران زیان الزاماً اعاده به وضع سابق نیست، بلکه آنچه باید مورد توجه قرار گیرد پیدا کردن راهی است برای تسکین آلام و تأمین زیان‌دیده راه دستیابی به این اهداف را هموار می‌سازد (آخوندی، ۱۳۷۶: ۲۴۲).

«همانگونه که با پول در امور مادی می‌توان معادلی برای مال تلف شده پیدا کرد، تأمین خرسندی‌های معنوی نیز امکان دارد. این خرسندی‌ها قادر نیست اندوه و تأثر عاطفی را از بین ببرد، ولی همین اندازه که آلام روحی را تسکین دهد کافی است» (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۵۰).

ب. جبران خسارت عدم النفع: هرچند کلام فقهای مخالف عدم النفع غالباً در مورد حبس است، اما در مورد عدم النفع اشیا نیز به برخی دلایل مضمون نبودن عدم النفع انسان استناد می‌شود. مثلاً تعمیرکاری که تاکسی فردی را برای تعمیر تحویل گرفته و با بد عهدی بعد از یک ماه تأخیر آن را تحویل می‌دهد، یا کسی که با بستن مغازه‌ای مانع می‌شود فروشنده کالایش را به فروش برساند، از این نظر که ضرری محقق نشده یا مالی تلف یا استیفا نشده است و یا غصب صورت نگرفته، ضامن نیستند. فقهای که حکم به عدم ضمان منافع محتمل داده‌اند بر این باورند که عدم النفع تفویت مال نیست و یا اینکه ضرر محسوب نمی‌شود؛ یعنی در صغرای قیاس اشکال دارند. به عنوان مثال صاحب «جواهر» می‌فرماید در عدم ضمان نقصان قیمت بازار جای تأمل باقی نمی‌ماند زیرا تفویت مال به صورت مباشرت یا تسبیب صورت نگرفته است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۴/۳۷). در همین رابطه شیخ/انصاری بر این باورند که در زمان رکود بازار کالا یکی از دو احتمال آن است که این از دست دادن نفع است اما ضرر به حساب نمی‌آید (انصاری، ۱۴۱۵: ۵/۲۴۴). برخی دیگر معتقدند نقصان قیمت بازاری، «مال» نیست و لذا قائل به عدم ضمان شده‌اند؛ «اگر کسی را از فروختن کالایش بازدارند تا قیمت بازار پایین آید در صورتی که اصل کالا باقی باشد بی تردید ضامن نیست زیرا آنچه از دست رفته مال نیست بلکه لتحصیل آن کسب مال است» (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۱/۷). واضح است که کلام این فقها ناظر به عدم النفع محتمل الحصول و ناظر به مصداق خاصی از عدم النفع است؛ لذا تعمیم حکم عدم جبران عدم النفع در این مصداق به دیگر مصادیق عدم النفع صحیح نیست.

ج. جبران خسارت امور کیفری: مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم: بر اساس قانون تنها آن دسته از خسارات قابلیت مطالبه دارند که بی‌واسطه و به طور مستقیم از جرم ناشی شده باشند. تنها عدم النفعی که ممکن الحصول باشد، قابلیت مطالبه را دارد و عدم النفع غیر قابل حصول قابل مطالبه نیست. مرز میان عدم النفع و منافع ممکن الحصول بسیار ظریف است تا آنجا که حتی عده‌ای این دو را یکی می‌دانند.

منافع ممکن الحصول را می‌توان اینگونه توضیح داد؛ فرض کنید آقای الف دارای باغی با درختان میوه است. این باغ در سالیان گذشته همواره محصول خوبی به بار داده است. امسال همسایه آقای الف یعنی خانم ج به طور ناگهانی آبی را که به باغ الف می‌آمد، قطع کرده و به این ترتیب محصولات درختان آقای الف را به طور کامل از بین برده است. در این حالت است که می‌گوییم با وجود امکان تحصیل منفعت یا همان کسب محصول برای آقای الف، منفعت مزبور با عمل خانم همسایه از دست رفته و نابود شده است. به این منافع که امکان تحصیل آن‌ها وجود داشته و به دلیل عمل دیگری از بین رفته است، منافع ممکن الحصول گفته می‌شود.

شیوه‌های جبران خسارت از نظر فقها

پیامبر گرامی اسلام(ص) و ائمه اطهار(ع) نیز بر حرمت تعدی به حقوق شخصیت و صدمه به اعتبار و حقوق معنوی افراد به اشکال گوناگون تأکید ورزیده‌اند(حر عاملی، ۱۳۸۸ق: ۸/۶۱۰ و ۶۰۸).

آنچه از مجموع آیات و روایات به وضوح استنباط می‌شود این است که شخصیت فکری، مذهبی و اجتماعی افراد داری احترام ویژه‌ای است که باید از سوی دیگران محترم شمرده شود و همانطور که گفته شد حکم شرعی در خصوص ایراد خسارت معنوی، حرمت است پس بر اساس حکم شرع و عقل، حکم تکلیفی حرمت بر اعمال موجب خسارت معنوی، ثابت می‌باشد.

بر این اساس تا وقتی که آثار زیان معنوی از زیان دیده زدوده نشود، اثر حرمت باقی است و برای از بین بردن پایداری و ادامه زیان، باید زیان معنوی جبران شود و ضرورت جبران خسارت معنوی ثابت است.

از این رو در فقه به همان اندازه‌ای که جسم و جان اشخاص، مورد حمایت قرار گرفته، حقوق معنوی نیز مورد حمایت قانونگذار واقع شده است. اگرچه بعضی اظهار داشته‌اند که در کلمات فقها چیزی که دلالت بر رد یا قبول ضمان ضرر معنوی نماید به چشم نمی‌خورد، اما به نظر می‌رسد که در خصوص جایگاه خسارت معنوی و مضمون بودن آن از دید فقهی باید ملاحظات زیر را مد نظر قرار داد:

درست است که ضرر معنوی جایگاه شفافی در مآخذ فقهی ندارد، لکن نفی هم نشده است. به طوری که فقیهان شورای نگهبان قانون، درباره تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات اظهار داشته‌اند: «طرح دعوی خسارت معنوی، مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی آن است؛ اما تقویم خسارات معنوی به مال و امر مادی، مغایر موازین شرعی است. البته رفع هتک و توهینی که به شخص شده به طریق متناسب به آن در صورت مطالبه ذی حق لازم است» (قاسم‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۷).

امام خمینی، عرف را در هر جا و در هر عصر و زمان معتبر می‌شناسد. به نظر ایشان عرف در هر زمان و مکان تحقق پیدا کند و ردع و منعی از آن نشده باشد حجت است. پس وقتی شارع آن را ردع نفرموده و از آن جلوگیری نکرده، به دست می‌آوریم که عمل به عرف عقلاً مورد رضایت و اجازه شارع است (فیض، ۱۳۸۴: ۱۴۴ و ۱۴۶).

بر این اساس مفهوم ضرر نیز امری است که در خصوص آن عرف نظر می‌دهد. اکنون نیز عرف، خسارت معنوی را داخل در مفهوم ضرر می‌داند. بنابراین «ضرر عرفاً عبارت از نقصی است که بر مال، آبرو و نفس انسان پدیدار می‌شود» (بجنوردی، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۷۸؛ نائینی، ۱۳۷۳: ۱/۱۹۹).

نحوه جبران زیان وارده از طریق دولت

با توجه به عناوین مطرح شده در مسئولیت مدنی دولت در تصدی‌گری در مالکیت در طریقه جبران ضرر تفاوت زیادی بین دولت و مردم نمی‌باشد و طبق قانون شیوه پرداخت محکوم به دولت... مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵ وزارتخانه‌ها باید از جایگاه اعتبار پرداخت تعهدات سال قبل را بپردازد زیرا بودجه مخصوصی سالانه در ردیف‌های مشخص جهت هزینه مشخصی در نظر گرفته شده و با نظر دیوان محاسبات باید استفاده شود، پرداخت

محکومیت‌های مالی پیش بینی نشده از بودجه جاری نظم اداری هزینه‌ها را بر هم می‌زند این می‌باشد که مقررات ارفاقاً به ارگان‌های کشوری و لشکری این اذن را می‌دهد که محکوم به را به طریق سالانه به مقامات دولتی بدهند تا در هیأت دولت در ردیف بودجه سال دیگر ملاحظه گردد. در صورت عدم پرداخت از بودجه جاری سال دیگر باید پرداخت گردد و عدم پرداخت در جایی که وجود اعتبار موجب برکناری مسئول ذی‌ربط می‌گردد. متشابه همین مورد می‌باشد در مورد شهرداری‌ها و دارایی شهرداری‌ها هم قابلیت توصیف خواهد داشت و حتی مطابق تبصره ماده واحده مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۴ شهرداری در مواردی که با داشتن امکانات لازم از بدهی صرف نظر نماید. شهردار به مدت یکسال از مسئولیت خود در کنار می‌شود. اما بهتر می‌باشد دولت به صورت سالانه برای هر ارگان دولتی بودجه مشخصی را احتیاط جهت محکومیت‌های مالی برگزیند.

عوامل رافع مسئولیت در جبران خسارت

در مواد ۱۱ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی قانونگذار با پذیرش مسئولیت مدنی نسبت به اعمال عمومی موارد فقدان مسئولیت مدنی و یا در واقع موارد عدم الزام وارد کننده زیان به جبران خسارت را بیان کرده است. این موارد عبارت‌اند از: اعمال حاکمیت، عدم امکان جلوگیری از ورود زیان، اعمال عمومی علت خسارت.

در اینجا سخن از این است که اگر قانونگذار قانونی وضع نمود که به لحاظ وضع آن زبانی متوجه اشخاص خاصی گردد آیا این زیان قابل مطالبه است یا نه؟ می‌توان گفت: اگر خطای حرفه‌ای کارمند در چهارچوب وظایف باشد و عمدی یا در حکم عمد نباشد، دولت (به معنی اعم) مسئول جبران خسارت است. چنانکه مقتضای قاعده «صاحب غنیمت صاحب غرامت است» این است، که خسارات وارد، باید از مال دولت و نه از مال کارمند، پرداخت شود (مرادخانی و اسفندیاری، ۱۳۸۸: ۶۳).

نتیجه بحث

جبران خسارت شخص زیان دیده و بر قراری عدالت اجتماعی از مهم‌ترین اهداف پذیرش قاعده قابلیت جبران کلیه خسارات و انتساب زیان وارده به شخص عامل زیان و

نفی ضرر در اجتماع، مهم‌ترین مبنای نظری پذیرش این قاعده در حقوق مسئولیت مدنی می‌باشد.

در خصوص ارزیابی مطلوبیت قاعده قابلیت جبران کلیه خسارات از لحاظ اجتماعی و اقتصادی باید گفت که این قاعده حقوقی نیز همانند سایر قواعد حقوقی، هم دارای نقاط ضعف و هم دارای نقاط مثبت می‌باشد. هرچند که پذیرش این قاعده اثرات و پیامدهای منفی اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، همچون گسترش لجام گسیخته دعاوی مسئولیت مدنی و افزایش دامنه جبران خسارات، گرانی حق بیمه‌های دریافتی و به تبع آن ایجاد فضای آشفته در سطح جامعه، جلوگیری از آزادی عمل و ابتکار و نوآوری و مشکلات حقوقی ناشی از استناد به عرف را در پی خواهد داشت؛ اما علی‌رغم این واقعیات، باید اعتراف کرد که اعمال قاعده قابلیت جبران کلیه خسارات در راستای اهداف و کارکردهای مسئولیت مدنی، که همان جبران خسارت و بازدارندگی است، می‌باشد؛ زیرا پذیرش این قاعده در درجه نخست بر دامنه خسارات قابل جبران می‌افزاید و حمایت هر چه بیش‌تر از زیان دیدگان را سبب می‌شود و در درجه دوم بازدارندگی بیش‌تر در سطح جامعه را فراهم می‌آورد. در این بین موضعی که قانون برگزیده یک موضع مبهم و غیر شفاف است؛ زیرا نه صریحاً این اصل را می‌پذیرد و نه با آن به مخالفت برمی‌خیزد؛ هرچند که شواهد غیر متقنی مبنی بر پذیرش اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در قانون خاص مسئولیت مدنی، یعنی ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، وجود دارد اما نباید فراموش کرد که استناد به این قانون جهت کسب نتیجه مطلوب با اشکالات عمده روبه‌رو می‌باشد.

کتابنامه

- امامی، حسن. ۱۳۹۳ش، **حقوق مدنی**، ج ۱، بی جا: انتشارات اسلامی.
- بادینی، حسن. ۱۳۸۴ش، **فلسفه مسئولیت مدنی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جبعی العاملی، زین الدین. ۱۴۳۵ق، **الروضة البهیة**، ج ۳، تهران: انتشارات ارغوان دانش.
- حسینی سیستانی، علی. بی تا، **قاعده لا ضرر**، ترجمه اکبر نایب زاده، بی جا: انتشارات خرسندی.
- حسینی مراغی، عبدالفتاح. ۱۴۱۷ق، **العناوین**، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خوانساری، احمد. ۱۴۰۵ق، **جامع المدارک فی شرح المختصر النافع**، ج ۵، بی جا: انتشارات مؤسسه اسماعیلیه.
- ره پیک، حسن. ۱۳۹۰ش، **حقوق مسئولیت مدنی و جبرانها**، چاپ ۱۷، بی جا: انتشارات خرسندی.
- الزهیلی، وهبه. بی تا، **الفقه الاسلامی وأدلته**، ج ۵، بی جا: انتشارات دار الفکر.
- السکانی، علاء الدین ابی بکر بن مسعود. بی تا، **بدائع الصنائع**، ج ۷، بیروت: انتشارات دار الفکر.
- سلیمان احمد، محمد. بی تا، **ضمان المتلفات فی فقه الاسلامی**، بی جا: انتشارات مطبعة السعادة.
- السیوطی الشافعی. بی تا، **الأشباه والنظائر**، بی جا: انتشارات مصطفی محمد.
- صفایی، سید حسین. ۱۳۸۳ش، **دوره مقدماتی حقوق مدنی**، چاپ ۲، تهران: نشر میزان.
- العراقی، ضیاء الدین. ۱۴۱۸ق، **رساله قاعده لا ضرر**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- عمید زنجانی، عباس علی. ۱۳۸۲ش، **موجبات ضمان**، تهران: نشر میزان.
- غمامی، مجید. ۱۳۷۶ش، **مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود**، تهران: نشر دادگستر.
- قنواتی، جلیل و حسن وحدتی شبیری و ابراهیم عبدی پور. ۱۳۷۹ش، **حقوق قراردادهای در فقه امامیه**، ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
- کرکی، حسین. ۱۴۱۱ق، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، ج ۶، بیروت: انتشارات آل البيت لإحياء التراث.
- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۷۴ش، **مسئولیت مدنی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق داماد، مصطفی. ۱۳۸۵ش، **قواعد فقه**، ج ۱، بی جا: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، مصطفی. ۱۳۸۷ش، **مباحثی از اصول فقه**، دفتر دوم، ج ۱۵، بی جا: انتشارات نشر علوم اسلامی.
- محمدی، ابوالحسن. ۱۳۸۵ش، **قواعد فقه**، ج ۹، تهران: انتشارات میزان.

محمدی، ابوالحسن. ۱۳۸۶ش، **مبانی استنباط حقوق اسلامی**، چاپ ۲۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مراغه‌ای، عبد الفتاح. ۱۴۲۵ق، **العناوین**، ج ۱ و ۲، بی تا: انتشارات مؤسسه نشر اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۲ق، **القواعد الفقهية**، ج ۱، بی جا: انتشارات دار العلم.

مکی‌العاملی، محمد بن جمال‌الدین. ۱۴۱۵ق، **غایة المرام**، بی جا: انتشارات مرکز الأبحاث والدراسات الإسلامية.

نجفی، محمد حسن. ۱۴۰۴ق، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام**، جلد ۲۲، چاپ ۶، بی جا: انتشارات مکتبة الإسلامية.

Symeon c. Symeonides, *The American Choice - Of - Law Revolution*, martinus nishoff publishers, 2007.

Michael Faure, Faure; Michael, *Tort Law and Economics*, Vol. 1, 2009, Second Edition.

مقالات

بابایی، ایرج. ۱۳۸۶ش، «نقد اصل جبران کلیه خسارات در حقوق مسئولیت مدنی ایران»، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

بابایی، ایرج. ۱۳۸۱ش، «بررسی عنصر خطا در حقوق مسئولیت مدنی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۸.

بادینی، حسن. ۱۳۸۶ش، «هدف مسئولیت مدنی»، مجله حقوقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷۰.

بیگ زاده، صفر و علی رضا باریکلو. ۱۳۹۰ش، «اختیار تقلیل ثمن مطالعه تطبیقی در کنوانسیون بیع بین المللی، فقه امامیه و حقوق ایران»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۳.

غمامی، مجید. ۱۳۸۶ش، «ضرر جبران پذیر از دیدگاه رویه قضایی»، مجله حقوقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷۰.

مرادخانی، فردین و حسین اسفندیاری. پاییز و زمستان ۱۳۸۸ش، «مبانی مسئولیت مدنی دولت در پرتو قوانین ایران»، فصلنامه گفتمان حقوقی، شماره‌های ۱۵ و ۱۶.

